

# سخن سردبیر

## آرمان آرین



ویسپوبیش، سال ۱، شماره ۶

### «به نام یکتاخدای درخشنده‌ترین»

دوستانِ نازنین‌ام:

حسرت و آرزوی من برای خودم و همه، رسیدن به «تعادل» مداوم است. فارغ از آن کارها که هرچه کنیم کم‌اند، و آن کارها که هرچه اصلاً نکنیم، زیاد؛ باقی امور یعنی نود درصد کارها نیازمند تعادل هستند: «تعادل-انصاف-آگاهی».

این متن را درست وسط نگارش اندیشه‌های «آراستی» کوچک در میانه‌های رُمان پتش‌خوارگر نوشته بودم که بد ندانستم، در اینجا از حاشیه به متن بیاید:

«نه ذهن، بد است، نه قلب، نه اندیشه و عقل، نه عشق و عرفان و...»

که اینها همگی ابزارها و عرصه‌های گونه‌گون کشف و کنکاشِ من‌اند برای رسیدن به حقیقت یکپارچه‌ی خداوندگار و هستی‌اش.

یکی برای گذران زندگی روزمره، دیگری برای حسّ تازه‌ها، سومی برای حل مشکلات و آن یکی برای ایجاد تعادل در زیستن، و یکی دیگر برای وصل شدن... اما هیچ کدام از این ساحت‌ها و ابزارها، مُعارض دیگری نیست و هیچ‌یک دشمن بقیه به‌شمار نمی‌رود. مهارت آدمی است که بتواند میان آنها هماهنگی، صلح و تعادل برقرار سازد و از هر کدام به وقتش بهره گیرد.

اما انسان ناآگاه و بی‌خبر، همواره بر تفکیک این ابزارها و از کار انداختن امکانات برخی به سود دیگری، یا حتی بدتر، سرطانی وانمود کردن یکی علیه دیگران سخن می‌راند و با گل‌آلوده کردن آب، واقعیت را واژگون می‌نماید...

چنان که برخی می‌گویند تنها باید از عقل بهره بُرد و ساحتِ دل را تعطیل کرد! و برخی دیگر از دل چنان می‌گویند که عقل را معطلِ شمرند! گروهی ذهن را دشمنِ انسان می‌شناسند و از دور انداختنِ آن بسانِ تنها راهِ چاره حرف می‌زنند؛

و عده‌ای چنان عرفانِ روحانی را نادیده می‌گیرند که تو گویی خود، خارج از سایه‌سار آن آب حیات را یافته‌اند!

حال آنکه هم ذهن، هم عقل، هم دل و هم روح، همگی دوستان ما و یکدیگرند و هر کدام به هنگام خود، به کار می‌آیند. گرچه در جای دل، نباید از عقل کاری کشید یا به وقتِ کارآییِ ذهن، از عشق بهره بُرد. شیطنتِ نفس و ناآگاهی‌اش در اغلب اوقات، بجای خود؛ که همان، مهم‌ترین بخشی است که در من، بیش از هر چیز دیگری نیاز به تربیت دارد. مهم این است که دریابیم، هر آفریده‌ای دلیلی دارد و نیازی را پوشش می‌دهد.

بنابراین لایه‌ها و مراتبِ مختلف یک زندگی، نیازمندِ هم‌غریزه است، هم تدبیر، هم عیش و هم اندیشه. هم نیایش، هم خلوت و هم حضور در اجتماع. عناصرِ نهانِ تشکیل‌دهنده‌ی جسم و جان و روح ما آدمیان، هیچ‌یک دشمن ما نیستند و نیازی به جنگیدن با هیچ‌یک از آنها نیست. نیاز به تربیت است و اولویت‌شناسی. اینکه باید یاد بگیریم چگونه و چرا باید از آنها بهره‌مند شد و بهره‌رساند و کجا و چه وقت؟»

نگارش نخستین: ۱۰ اردی‌بهشت ۹۵

ویرایش نهایی: آبان ۱۴۰۳

ارادتمند - آ.آ